

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض سلام و ادب و احترام دارم، خدمت همه بزرگوارانی که مطالب بنده را می خوانند. خیلی خوشحالم که در خدمتتان هستم، ان شاءالله بتوانیم، در راه خدمتگزاری به امام عصر علیه السلام و رضایت ایشان قدمی برداریم و باعث لبخند آن بزرگوار شویم. قبل از اینکه مطالبم را شروع کنم اجازه بدهید با خواندن دعای فرج توجه امام زمان علیه السلام را به خودمان جلب کرده، ان شاءالله آن حضرت هم نگاهشان مثل همیشه اثربخش باشد، برای صحبت هایی که خدمتتان ارائه می کنم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عِيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُنْمِتَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

سؤالی که مطرح است این است مخاطب من قطعاً یک عده از دانشجویان دغدغه مندی هستند که دوست دارند، در ایام نیمه شعبان در دانشگاه یک سری خدمتگزاری ها و فعالیت هایی را انجام بدهند. ممکن است از این دوستان من، سؤالی پرسیده شود که بالاخره چرا شما دانشگاه را انتخاب کردید؟ آیا نمی شد جای دیگری را انتخاب کرد؟ علت اینکه دانشگاه را انتخاب کردید و تاکید دارید در دانشگاه حتماً یک کاری انجام شود چیست؟!

من خیلی کوتاه و مختصر می خواستم، پاسخ این سؤال را بدهم که **چرا کار در دانشگاه مهم است؟** اول اینکه شاید بشود گفت آخرین مقطعی که شاید بتوان دانشجوی را تغییر داد، در دانشگاه است. چون کودک از وقتی بزرگ می شود تا بخواهد وارد اجتماع شود، اول به دبستان می رود. ۶ سال را در دبستان می گذرانند، که در آنجا اسطوره اش معلم است، وقتی آن دوره تمام می شود، وارد سن راهنمایی و بلوغ می شود. آنجا هم کمی شخصیتش در آن سن شکل می گیرد و ۳-۴ سال که می گذرد، وارد سن دبیرستان می شود و حس می دارد که می تواند بعد از سن بلوغش یک سری کارهایی را انجام بدهد که قبلاً نمی توانست. اگر تقریباً آن چهار سال دبیرستان را هم بگذرانند، بهترین مقطعی که دیگر انسان می تواند شکل بگیرد و تأثیرپذیر و تأثیرگذار باشد، دانشگاه است که دیگر از آن به بعد هم مستقیم وارد جامعه می شود و تشکیل خانواده می دهد. می خواهم این را بگویم که یک فرصت استثنایی دانشجویی داریم و **دانشجو مؤثرترین قشر جامعه است.** چون هم اثرپذیر است و هم اثرگذار!

اگر ما فعالیت در دانشگاه را نسبت به سایر مکانها ارجح می دانیم، به این علت است که ما برای اجرای یک برنامه مذهبی اولین کاری که باید بکنیم، این است که دنبال مخاطب بگردیم. سؤالی که اول می پرسیم این است که مخاطب من کیست؟ زمانی که داریم برنامه ای را برگزار می کنیم، مثلاً اگر این برنامه در مسجد برگزار شود، ممکن است مخاطب ما یک عده پیرزن و پیرمرد باشند، ممکن است میانسال یا جوان باشند، حتی ممکن است کودک باشند. خوب، طبیعتاً اگر بخواهیم برنامه ای را برگزار کنیم که تمام این سنین را مورد توجه قرار بدهد، برنامه سخت و سنگینی خواهد بود. چون هر کدام از این سنین، یک روحیه و یک حالت های خاصی را می پسندند. ولی اتفاقی که در دانشگاه می افتد، این است که مخاطب ما جوان است و همه یک دست. یعنی مشخص است که همه قشر جوان تحصیل کرده هستند. حالا اگر رشته هم مشخص باشد، مثلاً همه در دانشکده پزشکی هستند، ما با یک عده جوان دانشجو دکترا در ارتباط هستیم که بالطبع مؤثرتر خواهد بود.

بالاخره آینده دست همین جوان هایی است که فعلاً در حال تحصیل هستند و بعد از مدتی ممکن است پست یا مقامی بگیرند و یک جایی برای کار کردن منصوب شوند و عده ای زیر دست آنها کار کنند. خوب؛ این جوان اگر در دانشگاه تحت تأثیر قرار گرفته باشد و به

فعالیتی در جهت خدمتگزاری امام زمان علیه السلام علاقمند باشد و متوجه امام عصر خود بشود، قطعاً فردا روزی که سر کار می‌رود، دیگران را هم به نام امام زمان علیه السلام متذکر می‌کند. پس اگر خیلی خلاصه بگوییم، قشر جوانی را داریم که هم اثرپذیر است و هم اثرگذار. یکی دیگر از نکاتی که در بحث دانشگاه خیلی مهم است، این است که ما در دانشگاه محدود به چهار سال تحصیلی هستیم. یعنی ما در سایر فضاهایی مثل مسجد و حسینیه و ... ان شاءالله تا آخر عمر خدمتگزاری می‌کنیم. ولی در دانشگاه چهار سال بیشتر فرصت نداریم و امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند: **«اغتنم الفرص و انھا تمرُّ مر السحاب»** حواست باشد که اگر فرصتها را غنیمت نشماریم، آنها مثل ابر در گذر هستند و دیگر معلوم نیست که بتوانی چنین فرصتی را بدست بیاوری! پس بنابراین باید بتوانیم در چنین زمانی از این مخاطب یک دست، استفاده کرده و آنها را مورد تبلیغ قرار بدهیم.

اگر بخواهم مثالی بزنم در بحث دانشجویها، این طور می‌شود: دانشجو مثل قلب می‌ماند که محل پمپاژ خون هست. حالا اگر ما روی دانشجو کار کنیم، گویا داریم به دریچه‌های اصلی قلب، دارو را به طور مستقیم وارد می‌کنیم و دانشجو یک کار توزیع فرهنگی انجام می‌دهد.

مثلاً دانشگاه ملی، حالا اگر دانشگاه‌های معتبر کشورمان را مدنظر بگیریم، مثل دانشگاه تهران، مثل دانشگاه امیرکبیر، یا دانشگاه فردوسی، اینها دانشگاه‌هایی است که از سراسر کشور برای ورود به آنها و کنکورشان تلاش می‌کنند که اگر جوانان پر تلاش در این دانشگاه قبول بشوند، می‌بینیم که اگر به عنوان مثال، در یک دانشگاهی مثل دانشگاه فردوسی تبلیغ کنیم، مثل آن است که پیام خود را به کل ایران منتقل کرده‌ایم. چون در این دانشگاه از هر شهری قبولی وجود دارد. وقتی که این دانشجو درس می‌خواند، این طوری هست که همه به او احترام می‌گذارند، همه دوستش دارند و حرف او هم حرف مؤثری است. حتی خانواده هم حرف او را می‌پذیرند و اولین نتیجه آن این است که مثلاً روی آن برادر کوچکتر و خواهر کوچکترش بیشتر تاثیرگذار است. مثلاً کوچکترها می‌گویند، این برادر ما دانشگاه رفته و علم آکادمیک خوانده، پس قطعاً حرفهایش درست است.

یک ویژگی که دانشجویها دارند، این است که دانشجویها معمولاً مستعد یک کار گروهی هستند، وقتی که ما کلمه **«تیم ور کینگ»** را به کار می‌بریم، اصطلاحاً خیلی این دانشجویها دوست دارند که شرکت کنند و یک کار گروهی انجام دهند. خب در مهارتهای سال ۲۰۲۰ هم که می‌بینیم چنین چیزی هست و یکی از کارهای مهم، کار گروهی است که یک امر اساسی هست.

در اینجا می‌خواستم یک سری تصاویری را به شما نشان بدهم که ان شاءالله اگر بتوانم این کار را حتماً بعداً انجام می‌دهم. خلاصه اینکه الان می‌خواهم راجع به یک سری بسته‌هایی برای شما توضیح بدهم که این بسته‌ها حاصل سال‌ها تجربیات کار کسانی است که بوسیله همین دوستانی که مایل هستند در دانشگاه‌ها کاری انجام بدهند، با ما به اشتراک گذاشته‌اند و به هر حال ما در بحث دانشگاه سال‌ها تجربه داریم. خوبی آن این است که شما اگر از این تجربه‌ها استفاده کنید، از اتفاقات خوب و مثبتی که قبلاً تکرار و انجام شده، شما هم می‌توانید این کار را تکرار کنید و در دانشگاه خودتان پیاده کنید و یا اگر دانشجوی ترم جدید باشید، لازم نیست که تازه از صفر شروع کنید تا این اتفاق بیفتد، بنابراین شما می‌توانید با یک تجربه ده ساله شروع کنید و یا حتی اگر ما تجربه‌های غلطی داشتیم، شما دیگر لازم نیست آن کارها را تکرار کنید.

اما قبل از اینکه به سراغ بسته‌های محتوایی برویم، یکی از مشکلاتی که وجود دارد و ما در اکثر دانشگاه‌ها با آن روبرو شده‌ایم، این است که اکثراً خود دانشگاه می‌خواهد برنامه بگیرد، در اینجا اولین سؤالی که از این دوستان می‌پرسم این است که محتوای برنامه شما چیست؟ خیلی از دوستان نمی‌توانند جواب بدهند، حالا آن تشکل یا آن کانونی که دارد برگزار می‌کند، متأسفانه اکثراً دنبال شادی هستند. ببینید ما یک شادی داریم و یک شادابی. شادی خوب است، ما هم نمی‌گوییم بد است و اتفاقاً خودمان هم دوست داریم که در آن ایام شاد باشیم. بالاخره ایام نیمه شعبان، یک ایام استثنائی است که همه جامعه متوجه به امام زمان علیه السلام هستند. ولی وقتی می

گوییم دانشجوی باید اینجا و شاداب بیرون برود، یعنی اینکه یک محتوای اثربخش را بشنود تا روی او تأثیر گذاشته و بعد از آن مراسم برود بگوید می خواهم مثل این کار را انجام بدهم و خلاصه یک عملی را انجام بدهد.

ما در کلیت سیر محتوایمان می گوییم که حتماً دانشجوی باید به این نتیجه برسد. یعنی بگوییم اولاً شما امام زمان داری. ثانیاً بدانند که این امام زمان علیه السلام زنده است و مرده نیست و در همه حال حاضر است. سوم اینکه بدانند که می تواند به امام زمان علیه السلام تمسک پیدا کند. یعنی اینکه به امام زمان علیه السلام می تواند رجوع کند و امام زمان علیه السلام می تواند مشکلش را حل کند. البته اگر که به او رجوع کند! و چهارم اینکه توی محتوایمان بگوییم امام زمان علیه السلام از من و شما یک درخواستی کرده و خودشان فرموده اند: **«واکثرو**

الدعا بتجیل الفرج، فان ذلک فرجکم» یعنی اینکه برای امام زمان علیه السلام بسیار دعای فرج بکنید. یعنی او بدانند که یک وظیفه دارد. بالاخره برای فرج آن حضرت دعا کند و اینکه توجه کند که حالا می تواند به امام زمان علیه السلام خدمت هم بکند که این دیگر خیلی عالی می شود.

پس اینکه ما حتماً می خواهیم کارهایی انجام بدهیم که با یک سیر محتوایی جلو برود که البته در این میان محتواها هم آماده هست که حالا از طریق دوستان سفیران، می توانیم در اختیار کسانی که بخواهند قرار دهیم.

و حالا راهکارهای تبلیغ در دانشگاه:

یکی این است که بحث ما **تبلیغ فردی** است. یعنی اگر من دانشجویی هستم که عضو هیچ تشکل و نهاد و هیچ قسمت فرهنگی در دانشگاه نیستیم، می دانید که در دانشگاه شما یا باید عضو تشکلی باشید که کار کنید یا کانون یا بسیج و یا معاونت فرهنگی باشید. بالاخره به شکل فردی نمی توان خیلی کارهای بزرگ انجام داد. ولی خود همین فردی که تنهاست، می تواند با دوستانش صحبت کند، تبلیغ فردی انجام دهد، می تواند سرکلاس خودش شیرینی ببرد و آن ایام را تبریک بگوید و یا می تواند یک پرچمی را در دانشگاه یا دم در دانشگاه بزند. بنابراین به عنوان یک فرد تک و تنها هم می شود در دانشگاه کار کرد.

یکی دیگر از کارهایی که خیلی مهم است و می شود انجام داد، بحث **پرزنت در کلاسها** است. یعنی اگر الان شما در کلاس معارف در دانشگاه شرکت می کنید، می توانید با استاد صحبت و هماهنگ کنید یا با هماهنگی گروه معارف بگویید که من می خواهم یک شیرینی ببرم و این شیرینی را در کلاس پخش کنم که اکثراً هم موافقت می کنند.

مثلاً ما در دانشگاهی، حدوداً در صد تا کلاسی که شیرینی را پخش کردیم. فقط یکی دو تا از اساتید مخالفت کردند و گفتند نه، بعد از کلاس یا آخر وقت بیایید. اما اکثراً استقبال کردند و تا زمانی که شیرینی بین دانشجویان توزیع می شود، از استاد اجازه بگیرید که من می خواهم یک تبریک عید بگویم. در ضمن بعد از این که عید را تبریک گفتیم، یک محتوایی را هم به دانشجویان ارائه دهیم. مثل همین کار را در بحث خوابگاهها و دانشگاههایی که خوابگاه دارد هم خیلی خوب است که انجام دهید. به این صورت که با همین جعبه شیرینی یا یک هدیه ای می روید و بهتر است به این صورت باشد که این بسته های شیرینی را اگر می توانند از آن شیرینی فروشی بگیرند که قبلاً هماهنگ شده که اگر مثلاً این بسته ها ده تایی باشد، برای هر اتاق یک جعبه شیرینی ببرند و بگویند ما می خواهیم یک گپ و گفت دوستانه با هم داشته باشیم و بدون هیچ مقدمه شروع کنند به دوستانه صحبت کردن که البته این کار را ما در خوابگاه انجام داده ایم و خیلی جواب گرفته ایم و خیلی تأثیرگذاری بالایی داشته و بعضاً خواسته اند که زمان بیشتری باشیم و با آنها و این دانشجویان صحبت کنیم. کسانی که این کار را انجام داده اند، خیلی حس خوبی داشته اند.

از جمله کارهای دیگری که می شود انجام داد:

یک بسته ای داریم به نام بسته **نمایشگاه محصولات فرهنگی** که می شود یا نمایشگاه کتاب یا نمایشگاه محصولات فرهنگی هم راه انداخت که فکر می کنم شاید دوستان هم در شهرهایی که نمایشگاه داشته باشند، بتوانند به صورت امانت به دانشگاه بدهند، تا در آنجا یک سری محصولات فرهنگی را تبلیغ کرده باشند.

اصلاً همین که دانشجو عبور کند و ببیند، این همه عنوان کتاب و محصول راجع به امام زمان علیه السلام هست، خودش جذب کننده است و اگر بخواهیم این نمایشگاه را کاملتر و پر بارتر کنیم، پیشنهادی که دارم این است که نمایشگاه **تابلوهای مصور** را اجرا کنید. در نمایشگاه تابلوهای مصور اتفاقی که می افتد این است که با حداقل افراد، مثلاً چهار نیرو، یک نفر پرزنتر باشد، یک نفر دعوت کننده، یک نفر پذیرایی کند و یک نفر هم آنجا باشد که اگر کسی سؤالی داشت، بتواند کمک کند. حالا یا در دعوت یا در بحث های دیگر و اتفاقی که می افتد این است که شما راحت می توانید در جاهایی که خیلی پرتردد هست و در زمان های پر رفت و آمد در دانشگاه ها یا در لابی دانشگاه، کنار در ورودی دانشگاه آن را انجام دهید و خیلی نیاز به وقت طولانی ندارد. شما از دانشجویان دعوت می کنید و می گوید که آیا می توانیم چند دقیقه ای، خیلی کوتاه در خدمت شما باشیم؟ و فکر می کنم مثلاً اگر هفت یا هشت تا تابلو باشد و هر تابلو بین ۳۰ ثانیه تا ۲ دقیقه وقت لازم داشته باشد، نهایتاً شما در چهار، پنج دقیقه می توانید یک شخص را متذکر به نام امام زمان علیه السلام کنید و در آخر هم یک پذیرایی و یا یک هدیه خیلی کوچک که باز خورد خیلی خوبی دارد، برای او انجام دهید. یا حتی ممکن است، شما چند تا دانشکده در دانشگاه داشته باشید، می توانید این کار را مثلاً یک روز در این دانشکده اجرا کنید، روز دیگر در دانشکده دیگری آن را ارائه کنید و تمام دانشکده ها را با اجرای این طرح یعنی تابلوهای مصور مدیریت کنید.

یکی دیگر از دستاوردهایی که این طرح برای شما دارد، این است که اگر شما یک کانونی باشید، خیلی زود بچه های شما که نیروهای شما هستند، ارتباط مؤثرشان قوی می شود. بعد **خیلی راحت می توانید ارتباط بگیرید** و خیلی راحت می توانید دیگران را جذب کنید. از خوبی این طرح این است که خیلی هم **هزینه ایی برای شما ندارد و زمان آن هم که کوتاه** است، اگر کسی از دانشجویان سؤالی داشته باشد، به راحتی می شود در کنار این تابلوها و این فضایی که گفته شد، به سؤالات او هم پاسخ دهید.

یکی دیگر از طرح های دیگری که مطرح است و اکثر دانشگاه ها این کار را انجام می دهند، برگزاری جشن است. جشن ها یا به صورت سنتی برگزار میشود که مثلاً یک سخنرانی یا یک مداحی باشد، یا اگر بخواهند کمی مدرنش کنند، میگویند که مثلاً ما بیاییم یک خواننده دعوت کنیم در کنار کار یا مثلاً یک استند آپ کمدی هم داشته باشیم که اینها مثلاً می خواهند با این کار فضا را شاد کنند و عملاً می بینیم همان تفاوتی که در جشنها هست، این است که به شادی بیشتر بگذرد اما شادابی نداشته باشد.

ما یکی از برنامه هایی که حدود دو سال پیش استارت آن را زدیم این بود که **"لطفاً بدون چتر بیایید"**. گفتیم می خواهیم جشن بگیریم. اول آمدیم برایش یک اسم انتخاب کردیم. گفتیم که روی کارتها و برها نویسیم که **"لطفاً جشن نیمه شعبان تشریف بیاورید"**. حُب این دیگر یک چیز همیشگی و تکراری هست. یعنی تمام برنامه ها می نویسند و آن مناسبتش را هم می نویسند. ولی اتفاقی که افتاد این بود که ما گفتیم می خواهیم یک جشنی بگیریم، یک برنامه داشته باشیم که با جشنهای دیگر در دانشگاه متفاوت باشد. پس اول آمدیم برایش یک اسم انتخاب کردیم که اسم این برنامه ما چه باشد؟ اسمش را گذاشتیم **"لطفاً بدون چتر بیایید"**. این جمله یعنی چه؟ یعنی چتر گناهان را بگذار کنار و بیا زیر باران رحمت امام زمان علیه السلام و این جمله یک محتوای جذاب شد. گفتیم می خواهیم برویم در بحث **مهندسی دعوت**. شما می دانید که اگر مهندسی دعوت قوی نداشته باشید، اتفاقی که می افتد این است که ممکن است جشن شما خیلی شلوغ نشود. ولی اگر یک مهندسی دعوت خیلی خاص داشته باشید، اتفاقی که می افتد این است که جشن شما پر می شود و حتی ممکن است روی زمین هم بنشینند. چرا؟ چون مهندسی دعوتتان قوی بوده است. خوب در بحث مهندسی دعوت، مسئله این است که ما از نمادهای مختلفی برای برگزاری جشن استفاده می کنیم. مثلاً اگر که من دارم جشن **"لطفاً بدون چتر بیایید"** را اجرا می کنم، ما کاری که کردیم، این بود که آمدیم یک کارت دعوت زیبایی را برایش طراحی کردیم و این کارت دعوت را به همراه یک شاخه

گل رز به هر دانشجویی تقدیم کردیم. بعد که این گل را به دانشجویها تقدیم می کردیم، حواسمان هم بود که وقتی که می خواستیم این کارتها را به دانشجویان بدهیم، (چون حراست دانشگاه حساس بود و می گفت این کار را انجام ندهید و این کار خوب نیست) بانوان، بانوان را دعوت می کردند و آقایان، آقایان را دعوت می کردند. این خیلی مهم هست که اگر شما بحث **اختلاط بین محرم و نامحرم** را رعایت نکنید، از مسیری که می خواستید بروید و هدفی که داشتید، دور می شوید. این نکته را بار آخر هم یک تذکری خدمت شما می گویم.

بنابراین از برنامه ما استقبال زیادی شد. ما آمدیم یک بنری هم گذاشتیم و در آن بنر همین جمله را که "لطفاً بدون چتر بیایید" را چاپ کردیم. یعنی برایش یک لوگو طراحی کردیم، یک تایپوگرافی طراحی کردیم و بعد یک مسابقه تشکیل دادیم. و این مسابقه این طور بود که دانشجویها باید بیایند و **با این بنر "لطفاً بدون چتر بیایید"، عکس می گرفتند** و آن کسی که بیشتر از همه در اینستاگرامش لایک می خورد، یک مسابقه عکاسی می شد و ما به بیشترین لایک، جایزه می دادیم. چون طرح مربوط به حدود دو سه سال پیش هست، من خیلی جزئیاتش را یادم نیست ولی کلیتش همین بود. ما یک شور و شوقی بین دانشجویها به راه انداختیم، چون تا به حال چنین کاری نشده بود. من فکر میکنم، معاونت فرهنگی کل دانشگاه های آزاد که در آن برنامه شرکت کرده بودند و در واقع مراسم دعوت ما را دیده بودند، آن موقع گفتند که تا به حال ما چنین دعوت برنامه ای ندیده بودیم و خلاصه خیلی از ما استقبال کردند.

این شور و شوقی را که ما قبل از جشن و برنامه ایجاد کردیم، این شور خیلی مهم است که شما قبل از برنامه و مراسم یک فضایی را مهیا کنید که فکر مخاطب را با آن درگیر کنید. یعنی یک روز نباید ببیند که مثلاً در آمفی تئاتر دانشگاه جشن است و من بروم یک شیرینی بخورم و بیایم. ما به تمام کسانی که کارت دعوت را می دادیم، شماره تماس را هم می گرفتیم و از آنها می پرسیدیم که **اگر شما شرکت نمی کنید، حتماً به ما خبر بدهید**. آنها می گفتند، بله، حتماً به شما خبر می دهیم. فکر می کنم تا حدود شصت هفتاد درصد از کسانی که نمی توانستند بیایند و برایشان مشکلی پیش می آمد به ما خبر دادند. اتفاق دیگری که می افتاد این بود که ما تمام افراد را که ثبت نام کردیم و کارت دعوت دادیم. فکر می کنم شاید نزدیک به هزار تا کارت دعوت دادیم. شب قبل برنامه تماس گرفتیم و به آنها گفتیم که ما فردا رأس فلان ساعت منتظران هستیم. یک پیام هم باز در روز برنامه دادیم، تبلیغات محیط هم که بود. علاوه بر اینها آمدیم یک نماد هم طراحی کردیم.

کاری که خیلی برای دانشجویان جذاب هست، این است که شما بتوانید **آنها را در کار تیمی همراه کنید**. ما آمدیم یک طرحی را به نام **طرح بوم سفید** طراحی کردیم و متناسب با شعار برنامه که اسمش "لطفاً بدون چتر بیایید" بود، سعی کردیم برای هر قسمت یک شعاری داشته باشیم و این شعار در ذهن ها ماندگار می شود که شعارش هم این بود که **"لطفاً بدون چتر گناهانتان بیاید"**. چتر گناهانتان را کنار بگذارید و بیاید زیر باران رحمت امام زمان علیه السلام. شعار برنامه ما این بود: "باران زندگی من مهدی" و از این بوم های سفید تقریباً ۹ تیکه بود که **"باران زندگی من مهدی"** روی این بوم ها نوشته شده بود، دانشجویان باید می آمدند و اینها را رنگ می کردند. در فضای دانشگاه! از این برنامه خیلی استقبال کردند. بعد ما این را قاب کردیم و به عنوان دکور برنامه از آن استفاده کردیم. الان بعد از گذشت حدود دو یا سه سال، همچنان بر دیوار دانشگاه ما نصب شده و از آن زمان یادگاری باقی مانده است. هر کسی که در آن برنامه شرکت کرده بود، من فکر می کنم حدود ۱۰۰۰ نفر که شرکت کرده بودند و روی زمین نشسته بودند، می گفتند که هنوز آن برنامه یادشان هست و اتفاقات خاصی که افتاد را هرگز فراموش نمی کنند.

بحث مهندسی دعوت را که مختصر، خدمت شما گفتم. باز از این هم مفصل تر است، که اگر دوست داشتید می توانید به طور خصوصی و با توجه به شرایط دانشگاه شما برایتان مشاوره اش را بگوییم.



یکی دیگه از طرح هایی که خیلی خیلی مهم است، **طرح تاکشو** می باشد. ما از طرح تاکشو در فضای دانشگاه خیلی جواب گرفتیم و دیدیم که با دانشجو خیلی ارتباط برقرار می کند. اگر بخوایم خیلی خیلی خلاصه این طرح را به شما توضیح بدهم، طرح به این صورت است که اینجا سخنران، آن معنی خاص خودش را ندارد و تشکیل شده از یک مجری که او هم حالت مجری گری دارد و هم حالت کارشناس، که یک بحث محتوایی را از یکی از مستقالات عقلی شروع می کند، مثل تشکر کردن. یکی از محتواهای ما بحث تشکر کردن هست که همه آن را قبول دارند.

در بحث تشکر، کارشناس در قسمت اول می گوید تشکر چیز خوبی هست و همه هم آن را قبول دارند. حال اگر بخوایم تشکر کنیم، از چه کسی تشکر می کنیم؟ بهترین فرد چه کسی است؟ می گویند: پدر و مادر که کارشناس با دانشجو همراه می شود یا دانشجو با خود کارشناس همراهی می کند. بعد مسابقه برگزار می شود و همان جا زنگ می زنند و از پدر و مادرشان تشکر می کنند و اتفاق خوبی می افتد.

باز در قسمت های بعدی مسابقاتی هست که توسط مجری ها برگزار می شود یا هرطور دیگر و در قسمت آخر هم کارشناس بحث تشکر را که آیا بالاتر از پدر و مادر هم کسی هست؟ می گویند که خداوند هست. حالا می گوئیم خدا در کتاب قانون هایش این طور آورده که بهترین نعمت من نعمت امامت بود که در روز عید غدیر اعلام شد. اگر می خواهید از من تشکر کنید و از نعمتم درست استفاده کنید. نعمت امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف که امروز در دست ما است. آیا می توانیم درست از آن استفاده کنیم یا نه؟ درست استفاده کردن از امام زمان علیه السلام این هست که برویم به ایشان رجوع کنیم و به شئون آن حضرت عمل کنیم تا از زندگی مان بهره مند بشویم. خب اگر قرار است مسابقه ای برگزار شود، اگر قرار است شعری خوانده شود یا کیکی بریده شود، همه در همین قالب اجرا می شود.

به عنوان نمونه ما برنامه ای که در یک دانشگاهی برگزار کردیم، به عنوان مثال برای آن تشکر یک نمادهایی برای کادو درست کردیم که اسم برنامه را **ویرگول** گذاشتیم. یکی از کارهایی که در مهندسی دعوت خیلی خیلی جذاب است این است که بتوانیم مخاطب را با خودمان همراه کنیم، یه سری نخهای کاموا را به آنها می دادیم و می گفتیم این نماد ویرگول ما که با میخ درست شده است. برو و اگر

می خواهی داخل این برنامه شرکت کنی، باید فلان کار را انجام دهی و محتوا را هم از اول لو نمی دادیم و در داخل قسمت آخر تاکشو که می رسید، از آن محتوا مخاطب کلی اثر می گرفت. مثلاً به او می گفتیم اگر دوست داری داخل این برنامه ما شرکت کنی، چند روز باقی مانده به این جشن، باید در زندگیت از کسانی تشکر کنی و اگر قول بدهی که این کار را انجام بدهی، این نخ کاموا را دور ویرگول ها ببند و نمادهای خودمان را تکمیل کن و او این کار را انجام می داد که یک کار جذابی بود.

در بحث نمادها، تقریباً حدود ۱۰ الی ۱۵ تجربه داریم. در بحث نمادسازی، بهتر است که ما یک کاری را همراه با مهندسی دعوت انجام بدهیم تا نمادی بشود که دانشجویان با ما همراه بشوند تا این برنامه شناخته شود و هم در دکور برنامه استفاده شود و بعد از برنامه هم با ما باشند.

یکی از طرحهایی که خیلی خیلی جواب می داد، بحث تاکشو هست. ما در بحث اثربخشی و اثرگذاری که داریم افکارسنجی می کنیم، می بینیم که این مدل از همایش ها خیلی بیشتر جواب می دهد تا مدل های سنتی که قدیمی بوده است. یکی دیگر از کارهایی که می شود انجام داد، **تئاتر** است. یعنی اگر ما بتوانیم تئاتری را در دانشگاه انجام بدهیم، تئاتر هم چون مشتری خاص خودش را دارد و دانشجویان اغلب دوست دارند، در داخل فضای تئاتر هم وارد شوند، می شود یک برنامه ای را مختص دانشجویان انجام داد تا یک تئاتر دانشجویی انجام بشود.

مسئله دیگری که می خواستم به عنوان یک طرح دیگر خدمت شما بیان کنم، بحث **احیاء سحر نیمه شعبان** هست که در داخل دانشگاههایی که خوابگاه داشته باشند، طرح احیاء نیمه شعبان خیلی خوب است و خیلی جواب می دهد. ما استقبالی که در دانشگاه دیدیم، اینطور بوده که سحر نیمه شعبان، اگر بخواهم خیلی مختصر و مفید خدمت شما بگویم، فضیلت این برنامه عین شب قدر می ماند که **خدا بعد از شب قدر می فرماید: "بالاتر از سحر شب نیمه شعبان، شبی نیست"** خب؛ این از فضیلت شب نیمه شعبان. حالا ما باید این شب را به احیاء و توسل بگذرانیم و می شود با یک حالت استغاثه به امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف وصل شد و یک متن توسل خوانده بشود یا سخنران صحبت کند، برنامه مجری داشته باشد و حتی می شود از تم شاد شروع کرد و به توسل ختم کرد. باز اگر کسی دوست داشت، سحر نیمه شعبان احیاء در دانشگاه خودشان برگزار کند، می تواند با ما مفصل تر ارتباط برقرار کند.

یکی دیگر از طرح هایی که می خواستم خدمت شما بگویم این است که **در کنار تمام این طرحها بحث فضای مجازی را نباید از دست بدهیم**. داخل فضای مجازی می شود کمپین برقرار کرد و به عنوان دعوت از آن استفاده کرد. تایپوگرافی ها و محتواهایی را در قالب پادکست و کلیپ از آن استفاده کرد. اگر کانال مجازی که در آن هستند حتماً همه بزرگوارانی که مسئول یک تشکیلی در دانشگاه خودشان هستند، این را انجام بدهند، متوجه می شوند که فضای مجازی هم خالی از لطف نیست. خدمت شما عرض کنم همین کانال سفیران هم محتواهای خیلی عالی دارد که شما می توانید در کانالهای خودتان از آن استفاده کنید.

از جمله کارهای دیگر بحث **مسابقه کتابخوانی** است که خیلی ها از آن استقبال می کنند و اگر شما با مسئول دفتر فرهنگی، با دفتر آنها در رهبری صحبت کنید، حتی می توانید ۲ نمره دروس معارف را برای مسابقه کتابخوانی نیمه شعبان بگذارید. این کار را انجام دادیم و خیلی از آن استقبال شد، شاید نزدیک به ۱۰۰۰ جلد کتاب فروختیم، که البته می شود PDF شده و در فضای مجازی هم از آن استفاده بشود.

در همین فضای مجازی می شود، کمپین هم راه انداخت که با عنوان برنامه شما یک مدتی را دانشجو همراه باشد و بالاخره باز اثرات آن کار را بعد از برنامه شما در فضای مجازی دنبال کند. خب این از بحث طرح هایی که می خواستم خدمتتان ارائه کنم و ما در داستان محتوایی خیلی حرف داشتیم برای گفتن. ان شاءالله اگر که باز فرصتی دوباره بود، من مفصل تر می توانم طرح ها را خدمتتان ارائه کنم. یکی دیگر از طرح هایی که خیلی مورد استقبال دانشجویها قرار گرفت و به اصطلاح جواب داده است، **بحث نشست** هست. نشست به این معناست که تقریباً چند تا میز گذاشته می شود و این میزها به صورتی هست که ما یک پذیرایی را حالا از قبل آماده می کنیم و این

پذیرایی تقریباً می‌شود گفت که یک حالت کافی شاپ مانند داشته باشد. حالا بستنی یا دم نوش و یا هر چه که خودتان بخواهید درست کنید. متناسب با امکانات و فضای شما در دانشگاه باشد که برای دانشجویان جذاب است و خیلی دوست دارند که بیایند و سر آن میزهای شما بنشینند و از این راه هم یک صحبت دوستانه را بشنوند و هم بتوانند از این پذیرایی استفاده کنند. ما داشتیم دانشجویانی که می‌خواستند چند بار شرکت کنند! برای اینکه از این مباحث استفاده کنند. چون خیلی لذت بخش بوده برای آن‌ها. این هم یکی از راهکارهایی است که می‌شود در فضای دانشگاه انجام داد. آنجا دانشجویها سؤال هایشان را به راحتی می‌پرسند و خدمت شما عرض کنم که یک فضای گفتگوی دوستانه ای ایجاد می‌شود و خیلی راحت جذب آن تشکل و یا آن کانونی که ما هستیم می‌شوند و می‌گویند: چقدر شما مثلاً آدم‌های با حالی هستید! تا حالا کسی این طوری امام زمان علیه السلام را برای من ترسیم نکرده بود. نمی‌دانستم که امام زمان علیه السلام می‌تواند اینقدر در زندگی من کاربرد داشته باشد و می‌تواند خیلی راحت فضای جذبی باشد برای کانون و نیروی انسانی شما زیاد باشد. من اگر بخواهم یک نکته ای را و چند تا نکته طلایی دیگر را خدمتتان بگویم که می‌تواند به عنوان کلام آخر من باشد. چند تا نکته که در خدمتگزاری به امام عصر علیه السلام باید مد نظر داشته باشیم، یکی این است که **حواسمان باشد، در خدمتگزاری به دنبال چه هستیم؟**

اولین نکته طلایی که می‌خواهم خدمتتان بگویم، **بحث نیت و اخلاص** هست و این که ما داریم برای چه کسی کار می‌کنیم؟ اگر واقعاً این کار اسمش خدمت و خدمتگزاری به امام زمان علیه السلام هست، ما باید همیشه به این فکر کنیم که ما داریم برای چه کسی این کار را انجام می‌دهیم؟ آن آقا اگر که به ما نگاه کند و لبخند بزند، همین برای ما بس است.

متأسفانه آفتی که وجود دارد، این است که خیلی‌ها در دانشگاه به دنبال اسم هستند. یعنی من جسارت نمی‌کنم خدمت بزرگواران ولی خیلی حتماً برایشان مهم است که به اسم ما و به نام ما مثلاً کار تمام شود. حتماً آرم تشکل ما بخورد و تشکل فلان نخورد. اگر می‌توانید فضایی را ایجاد کنید در دانشگاه که یک فضای همدلی ایجاد شود و یک وحدتی بین تشکل‌ها و کانون‌ها ایجاد شود، این کار را حتماً بکنید. به شرطی که بتوانید با همدیگر تعامل کنید. خلاصه که ما در بحث‌های نیمه شعبان دوست داریم همه با هم بیایند وسط.

یکی از پیام‌هایی که امام زمان علیه السلام به شیخ مفید فرمودند، این است که گفتند: **تا شما همدل نشوید، سعادت دیدار ما را نمی‌توانید داشته باشید و این دیدار به تأخیر می‌افتد.** اگر بتوانیم نیمه شعبان را بهانه ای قرار دهیم که بیاییم در فضای همدلی و

بتوانیم چندتا کانون و چندتا تشکل را با هم پای کار بیاوریم و به شکل یک مدیریت واحدی که کار هم خراب نشود، این کار را حتماً بکنید و این توصیه من است که دانشگاه هم خیلی خوشحال می‌شود. وقتی آن رئیس دانشگاه ببیند که چند تا دفتر فرهنگ، چند تا تشکل و چند تا کانون، دارند با هم کار می‌کنند، خیلی فضای بهتری هست و خیلی راحت تر به شما بودجه می‌دهد و راحت تر می‌توانید، کارها را انجام دهید. همان تیم ورک و تقسیم کاری که گفتم. پس خیلی دنبال اسم خاصی در کار نباشیم. این که آیا اسم من را می‌برند، یا اسم من را نمی‌برند. هر کاری را که انجام می‌دهیم، وظیفه‌مان هست. ممکن است که خیلی از کارها را انجام ندهیم. شاید من در خانه مان مثلاً آشغالها (زباله‌ها) را نمی‌بردم که جمع کنم و بعد ببرم دم در بگذارم ولی جشن امام زمان علیه السلام که شد، برنامه امام زمان علیه السلام که شد، چون کار مال آن آقا است، دیگر این کار که مثلاً در شأن من نیست و من مثلاً دبیر این کانون هستم و اینها آن را انجام می‌دهم. خلاصه در کار امام زمان هرکسی که بتواند بهتر نوکری کند و با اخلاص تر نوکری کند، آن را از او می‌خرند.

یک نکته دیگر که حیثم می‌آید نگوییم و جز آن نکات طلایی هست، این است که **شیطان به عنوان بزرگترین دشمن ما انسانها و دشمن قسم خورده و مشترک ما از این داستان غافل نیست.** ببیند که شماها دارید برای امام زمان علیه السلام خدمت می‌کنید و بزرگترین کار عالم را می‌کنید، پس کارمان هم بهترین کار و بزرگترین کار هست، نمی‌نشیند و دست روی دست نمی‌گذارد.

شاید تا یک جاهایی هم به ما کمک کند. یعنی ما را در بحث خدمتگزاری کمک میکند، بعد ما دچار **عجب** می‌شویم و این عجب، پدر ما را در می‌آورد، در این کاری که خدمتگزاری را انجام دادیم. چون یک لحظه که آدم را عجب بگیرد، فرموده اند عبادت هفتاد سالش

به باد می رود و هم کار را خراب می کند. وقتی من گفتم من این کار را کردم، در آن کار دیگر اخلاص از بین رفته و شیطان به نتیجه خودش رسیده است. خب حالا چکار کنیم که بتوانیم از این شیطان خلاص بشویم؟ این است که تماماً هر چه می توانیم توی کار، قبل کار، شب قبل از اینکه بخواهید بخوابید و صبح که از خواب بیدار می شوید که می خواهید بروید برای نیمه شعبان، این است که اتاق فکری بگذارید تا بتوانید با امام زمان علیه السلام ارتباط برقرار کنید و بتوانید با امام زمان علیه السلام صحبت کنید که بگویید: **یا صاحب الزمان علیه السلام من تمام این کارها را دارم می کنم که تو لبخند بزنی. یا ابن الحسن ... از خود حضرت کمک بخواهید و مثل یک فرزند که با پدر خود صحبت می کند، با ایشان صحبت کنید.** که بابا جان، خودت کمک مان کن. ما که اینجا کاره ای نیستیم. همه کارها مال شماست. فقط به امید رضایت لبخند شما داریم این کار را انجام می دهیم.

حال یک نکته ای هم بخواهم اینجا بگویم این است که چون مطلب آخر هست و شاید کمی طولانی شود. بحث این است که فرموده اند: در بهشت همه اش نورانیت هست و در آن ظلمتی وجود ندارد. بهشتی ها می بینند که یک نوری وارد بهشت می شود و بهشت فضایش فرق می کند و نورانی تر می شود. از ملائکه می پرسند که ما مگر در بهشت خورشید داریم؟ این چه نوری بود که آمد؟ ملائکه می فرمایند: که این نور لبخندی است که بین امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها است که داشتند گفتگویی انجام می دادند و حضرت زهرا سلام الله علیها یک تبسمی کردند و لبخندی زدند. این نور گوشه ای از لبخند حضرت زهرا سلام الله علیها ست. حال شما ببینید اگر که لبخند حضرت زهرا سلام الله علیها آنطور اهل بهشت را نورانی می کند و همه مورد تعجب قرار می گیرند که این چه نور و چه فضایی بود. اگر که حضرت زهرا سلام الله علیها یک نگاهی به ما بکنند و لذت ببرند و لبخند بزنند، قطعاً زندگی دنیا و آخرت ما آباد می شود و دیگر غم و غصه ای نباید داشته باشیم. چون خودشان به علامه میرجهانی فرمودند: **فرزندم مهدی در عصر و دوران خودش از من غریب تر است.**

نکته بعدی و طلایی بحث؛ همدلی، همدلی و همدلی است. ببینید، من توجهم را به امام زمان علیه السلام جلب می کنم و تماماً متوجه امام زمان علیه السلام هستم. نکته ای که باید اول کنار بگذارم، بحث منیت است. اگر بخواهیم بگوییم کاری که من کردم و منیت را در کارها بیاوریم، این جزء کارهای شیطانی است. یعنی ولو اینکه حق با شماست و اختلاف ایجاد می شود، شما به خاطر لبخند امام زمان علیه السلام کوتاه بیایید. ببینید امام زمان علیه السلام چه دوست دارند، آن طور برای حضرت کار کنید. منیت را بگذارید کنار و همدلی را پای کار بیاورید. اگر این کار را بکنیم، کار ما حتماً جواب می دهد. کار ما اثرگذار می شود. کارمان را می بینیم که تأثیر گذاشته است. اگر هم در اختلافاتی که قطعاً پیش می آید، حق با شما است، باز هم شما کوتاه بیایید و آن کسی که باید ببیند می بیند. نهایتاً این که **هدف وسیله را توجیه نمی کند.** همیشه بعضی ها دنبال کار بزرگ هستند و می خواهند یک کار خفن انجام بدهند. می خواهند کاری بکنند که تا به حال کسی انجام نداده. بله اگر شما مثلاً بروید کنسرت فلان خواننده را هم برگزار کنید، ممکن است سالن پر شود ولی خب آیا امام زمان علیه السلام پایش را در آن مجلس می گذارد؟ باید به این نکات دقت کنیم. خیلی ریزه کاری دارد. حواسمان باشد کاری نکنیم که مورد رضایت امام عصر علیه السلام نباشد. ولو شده که کار کوچکتر انجام شود. کمیت کار کمتر باشد ولی کیفیت کار خیلی مهم است. دنبال اثربخشی باشیم و اگر بتوانیم وسیله ای باشیم که حتی دست یک نفر را در دست امام زمان علیه السلام بگذاریم، ما برد خودمان را کرده ایم. خیلی خوشحال شدم که در خدمت شما بودم. من می خواستم یک سری عکس ها که از تجربیات گذشتگان مان بود، برای شما بگذارم که ان شاء الله دوستان سفیران حتماً آن را به اشتراک می گذارند. خدمت شما عرض کنم، ما یک گروهی داریم که دانشگاهی ها را پیگیری می کنند و دوست داریم کمکشان کنیم تا برنامه هایشان قوی تر، پرمحتواتر و مؤثرتر باشد. دوستانی که تمایل دارند به طور خاص با آنها ارتباط داشته باشیم و با توجه به ویژگیهایی که آن دانشگاه دارد، برایشان محتوا آماده کنیم و بفروستیم، حتماً از طریق دستیار سفیران با ما ارتباط بگیرند.



خب؛ با توجه به اینکه من عکسهای خیلی زیادی را می خواستم با شما به اشتراک بگذارم ولی چون حجم آنها بالا است و تا بخواهم حجم اینها را کم کنم، کمی زمانبر می شود، من یک گوگل فرمی را طراحی کردم که با کمک دوستانمان برای شما به اشتراک می گذاریم. آن دانشجویانی، که دوست دارند با ما ادامه بدهند و همکاری کنند و به صورت تخصصی تر و بهتر با هم در ارتباط باشند، حتماً این فرم را پر کنند و فکر نمی کنم پر کردن این گوگل فرم، بیشتر از ۳ الی ۵ دقیقه وقت شما را بگیرد و ما اینها را بررسی می کنیم، با شما تماس می گیریم، تا ان شاءالله بتوانیم یک خدمت خوبی را به امام عصر علیه السلام انجام بدهیم. متشکرم که وقت گذاشتید و به عرایض بنده توجه کردید. ان شاءالله که به لطف خود امام زمان علیه السلام برنامه ای را بتوانیم انجام بدهیم که باعث لبخند مادرشان حضرت زهرا سلام الله علیها بشویم. باز هم سپاسگزارم. شما را به خدای بزرگ می سپارم.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

التماس دعای فرج

جهت دریافت فرم مشاوره، به صفحه کارگاه در سایت سفیران مراجعه فرمایید.